

گزارش بین‌المللی آزادی مذهبی در سال ۲۰۱۷ - بخش افغانستان

فشرده گزارش:

قانون اساسی، اسلام را به حیث دین رسمی کشور قرار داده است، اما تصریح می‌سازد که پیروان ادیان دیگر در ادای مناسک مذهبی خود در چوکات قانون آزاد اند. تغییر دین از اسلام به سایر ادیان، ارتداد شمرده می‌شود که مجازات آن، طبق فقه حنفی، مرگ، حبس، یا ضبط املاک است. البته قانون اساسی بیان میدارد "هرگاه برای یک قضیه پی‌مشخص مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد"، به پیروی از احکام فقه حنفی فیصله شود. افرادی که از اسلام روگشتانده بودند، بیان داشتند که آنها هنوز هم از بابت محکوم به مجازات از طرف حکومت، و اقدامات تلافی جویانه خانواده و اجتماع در هراس بوده‌اند. بر اساس فیصله ستره محکمه، عقیده بهائی، مجزا از اسلام بوده و نوعی از کفر محسوب می‌شود و پیروی از آن به مثابه گناهی است که طبق فقه حنفی مجازات آن اعدام می‌باشد؛ با این هم، کدام گزارشی از موارد تعقیب عدلی از بابت ارتداد یا کفر گوئی داده نشد. قانون، تولید و چاپ آثار متناقض با اساسات اسلام و یا آثار اهانت بار به سایر ادیان را منع قرارداده است. قانون جزا، حمله لفظی یا جسمی بر پیرو هر یکی از ادیان را، مستحق مجازات حبس شش ماه تا یک سال میدانند. اعضای جوامع هندو و سیک گفته‌اند که آنان هنوز هم از حل و فصل دعاوی و مناقشات خود از طریق محاکم، اجتناب می‌ورزیدند، زیرا از انتقام می‌ترسیدند و ترجیح می‌دهند تا مناقشات خود را از طریق شورا های اجتماعی حل کنند. نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، همچنان گفتند که محاکم برای افراد غیرمسلمان، عین حقوق مسلمانان را قایل نمیشد. تعداد اندک سیک‌ها و هندوها به انجام وظایف در مقام‌های حکومتی گماشته شده‌اند. مسلمانان شیعه، با آن که بعضی مقام‌های بلند پایه را در حکومت احراز کرده بودند، گفتند که تعداد این مقام‌های رسمی، به پیمانۀ نفوس شان نبوده و شکایت داشتند که حکومت در مناطق اکثریت شیعه نشین، به تحکیم امنیت توجهی ندارد.

شاخه ولایت خراسان گروه دولت اسلامی یا داعش، که از سوی ایالات متحده به حیث سازمان دهشت افکن شناخته می‌شود، و نیز طالبان، به هدف قرار دادن و کشتن اعضای جوامع اقلیت‌های مذهبی، به دلیل باورهای شان و یا روابط شان با حکومت، ادامه داده‌اند. شاخه خراسان گروه داعش، برای توجیه کردن حملات شان، مسلمانان شیعه کشور را متهم می‌کردند که گویا با شبه نظامیانی که در عراق و سوریه علیه داعش می‌جنگند، یکجا می‌شوند. شاخه خراسان گروه داعش پیروان مذهب شیعه کشور را به طرفداری از حکومت نیز متهم کرده است و منسویین امنیتی و نظامی را که در مساجد شیعیان نماز می‌خواندند مورد هدف قرار داده‌اند. در جریان سال، رسانه‌ها از حد اقل ۱۳ حمله بر عبادتگاه‌ها و یا اجتماع‌های شیعیان خبر داده‌اند که در نتیجه آن بیش از ۵۰۰ تن تلف شده است. اداره معاونت (نماینده سیاسی) سازمان ملل متحد در افغانستان یا یوناما در نتیجه وقوع ۳۷ حمله در جریان سال بر مساجد، بزرگان مذهبی، و نمازگزاران شیعه، مرگ ۴۹۹ (۲۰۲ کشته و ۲۹۷ زخمی) را ثبت کرده است. این حملات، باعث ۳۲٪ افزایش در تلفات ملکی ناشی از حملات گردیده، و در مقایسه با سال ۲۰۱۶، تعداد کشته شدگان دوبرابر و تعداد حملات سه برابر شده است. طبق گزارش یوناما، شاخه خراسان گروه داعش، مسئولیت ۱۸ حمله و طالبان مسئولیت ۲۰ حمله را به عهده گرفته‌اند. بر اساس گزارش سالانه یوناما، از جمله تمام تلفات ناشی از حملات بر اماکن عبادت، سران مذهبی، و عبادت‌کنندگان، ۸۳٪ آن

راه، تلفات ناشی از حملات بر عبادتگاه ها و یا نمازگزاران شیعه تشکیل میدهد. نزدیک به یک بر سه حملات شاخه خراسان گروه داعش، مسلمانان شیعه را هدف قرار داده است، که این رقم شامل شش حمله مستقیم بر مساجد و یا مراسم مذهبی شیعیان نیز میشود. در پی افزایش فشار از سوی اجتماع شیعیان برای مصئونیت بیشتر شان، حکومت در اطراف مساجد شیعیان، تدابیر بیشتر امنیتی را اعلام کرد. طالبان علمای سنی مذهب را به خاطر موعظه های متناقض با تفسیر طالبان از اسلام به قتل رسانیده و یا هم به مرگ تهدید می کردند. جنگجویان طالبان به کشتن امامان و سایر مقامات دینی در سراسر کشور ادامه داده اند. مقامات دفتر ریاست جمهوری و وزارت حج و اوقاف تخمین کردند که وقایع کشتار از سوی طالبان افزایش یافته و احتمالاً در مقایسه با ۱۵۰ مقام مذهبی که در سال ۲۰۱۶ کشته شده بودند، شمار این واقعات بلند برود. طالبان به ملاها هشدار داده است که بر اجساد منسویین امنیتی حکومت نماز جنازه نخوانند. طالبان همچنان به تعميل جزاها طبق تعبیر خویش از قانون اسلام بر اهالی مناطقی تحت کنترل خود ادامه دادند، که این مجازات لت و کوب و سنگسار زنان مظنون به ارتکاب زنا و سایر "جنایات اخلاقی" در برداشت. شورشیانی که ادعای پیوند داشتن با شاخه خراسان گروه داعش را داشتند، در اعمال مشابهی دخیل بودند، به شمول کشتن یک امام در سرپل به خاطر ارتکاب جادو، زیرا او به نمازگزاران، تعویذ می نوشت، چیزیکه در جامعه افغانستان میان مردم رایج است. گزارش ها نیز حاکیست که ملاها در مساجد غیر ثبت شده، به موعظه های طرفداری از طالبان و یا شاخه داعش خراسان ادامه می پردازند.

سیک ها، هندو ها، مسیحیان، و سایر اقلیت های غیر مسلمان بیان داشتند که آنها مثل گذشته، با آزار و اذیت، و گاهی اوقات با خشونت مواجه بوده اند. هندو ها و سیک ها گفتند که با آن هم میتوانستند تا مناسک دینی خود را به گونه علنی بجا بیاورند. مسیحیان از دیدگاه خصمانه مردم علیه تبلیغ دین مسیحیت خبر دادند. مسیحیان و مسلمانان احمدی بیان داشتند که برای این که مورد تبعیض اجتماعی و تعقیب عدلی قرار نگیرند، مراسم عبادت خود را همچنان در بصورت پنهانی انجام میدادند. زنان وابسته به چندین مذهب مختلف گزارش دادند که بزرگان مذهبی مسلمان در سطح محل، به خاطر طرز لباس پوشیدن شان، احساسات تقابل با آنها را برمی انگیزتند. در نتیجه، آنها گفتند که تقریباً تمام زنان محلی و خارجی نوعی از روسری یا چادر میپوشیدند. ناظران گزارش دادند که سران محلی مسلمان مذهبی، به تلاش های شان در جهت محدود ساختن فعالیت های اجتماعی ای که از دیدگاه آنها با اساسات اسلام برابری نداشت، ادامه دادند. بزرگان مذهبی شیعه و سنی، هر دو، برخی از جشنواره های غیرمذهبی و کنسرت ها را تقبیح کرده و منافی اسلام خواندند. سران مذهبی اقلیت ها بیان داشتند که برای شمار روبه کاهش سیک ها و هندو ها، که به دلیل تبعیض و عدم دسترسی به فرصت های کاری مهاجر میشدند، فقط چند مکان معدود عبادت باقی مانده بود. هندو ها و سیک ها گزارش دادند که در مراسم آتش زدن به اجساد وفات یافتگان شان، افرادی که در نزدیکی محل های انجام مناسک مذهبی آنها قرار دارند، در امورات شان مداخله میکردند. بزرگان جامعه شیعه گزارش دادند که تبعیض از سوی اکثریت سنی مذهب در برابر اقلیت شیعه مذهب در سطح اجتماع همچنان رو به کاهش بود، گرچه گزارش هایی از تبعیض در برخی محلات هنوز داده میشود.

مأمورین سفارت ایالات متحده، جهت ترویج همدیگرپذیری مذهبی، بحث حفاظت از اقلیت های مذهبی، و توسعه ظرفیت حکومت در مبارزه علیه افراطیت خشونت آمیز، با مقامات ارشد حکومت

ملاقات می کردند. به گونه مشخص، سفارت با دفتر مشاور امنیت ملی در تماس شد تا در ایجاد یک استراتژی ملی برای مبارزه با افراطیت خشونت آمیز، کمک کند. سفارت به ملاقات با سران گروه های بزرگ مذهبی، علما، و سازمان های غیر دولتی ادامه داد تا راه های را جهت آشنا ساختن مردم با طیف وسیع دیدگاه های مذهبی و توسعه تحمل پذیری مذهبی را با آنان مورد بحث قرار دهد. برنامه های رویکرد سفارت، زمینه مباحث مذهبی و تلاش های حکومت را برای شناسایی و مقابله با منابع افراطیت خشونت آمیز، تسهیل بخشید. شخص سفیر، به مناسبت روز بین المللی آزادی مذهبی یک پیام ویدیویی ثبت کرد، که سفارت آن را در رسانه های اجتماعی برجسته ساخت و با رسانه های خبری محلی شریک ساخت.

بخش ۱. آمار مذهبی

دولت ایالات متحده، نفوس جمعی افغانستان را ۳۴،۱ میلیون نفر تخمین میکند (تخمین جولای ۲۰۱۷). در رابطه با فیصدی مسلمانان شیعه و سنی در کشور، کدام احصاییه موثق قابل دسترس نیست؛ اداره مرکزی احصاییه، آمار را که از این نگاه قابل تحلیل باشند، جمع آوری نمیکند. بزرگان شیعه ادعا میکنند که شیعیان تقریباً ۲۵٪ - ۲۰٪ نفوس را تشکیل میدهد، در حالی که بزرگان سنی ادعا میکنند که شیعیان فقط ۱۰ درصد نفوس کشور را تشکیل میدهند.

طبق گفته سران مذهبی، نفوس شیعیان، که ۹۰٪ آن را هزاره ها تشکیل میدهند، عمدتاً جعفری اند، اما در برگرفته اسماعیلی ها نیز است. فیصدی سایر گروه های دینی، عمدتاً هندو ها، سیک ها، بهائیان، و مسیحیان کمتر از صفر اعشاریه سه فیصد تخمین شده است. بر اساس تخمین بزرگان سیک ها و هندو ها در افغانستان، شمار خانواده های این اقلیت ها به ۲۴۵ رسیده و جمعاً شمار افراد آنان ۱۳۰۰ نفر میرسد. اجتماع مسلمانان احمدی تعداد پیروان فرقه شان را در سراسر کشور، ۶۰۰ نفر ذکر میکنند. شمار تخمینی و مورد اعتماد بهائیان و مسیحیان، در دسترس نیست. شمار بسیار اندک پیروان سایر ادیان نیز وجود دارند، به شمول یک یهودی.

هزاره ها غالباً در ولایات مرکزی و غربی، و کابل ساکن اند، و اسماعیلی ها بیشتر در کابل و در ولایات مرکزی و شمالی به سر میبرند. پیروان باور بهائی، بیشتر در کابل اند، و یک جماعت کوچک شان در قندهار است. مسلمانان احمدی، هم در کابل زیست دارند.

بخش ۲. چگونگی احترام گذاشتن حکومت به آزادی مذهبی

چارچوب قانونی

قانون اساسی، اعلام داشته که اسلام دین رسمی کشور است، و میگوید که هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام «دین مقدس اسلام» باشد. قانون اساسی همچنان بیان میدارد که اصل پیروی از احکام اسلام، در آن قابل تعدیل نیست. بر بنیاد قانون اساسی، پیروان سایر ادیان - غیر از اسلام - "در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در محدوده پی احکام قانون آزاد می باشند".

در قانون جزا، تعریفی از ارتداد وجود ندارد. ارتداد، در جمع هفت گناهی محسوب میشود که شریعت برای آنان حدود تعیین کرده است. بر اساس فقه سنی حنفی - که در صورت نبود احکام مربوطه در قانون اساسی یا سایر قوانین، طبق قانون اساسی مرجع احکام شمرده میشود - اگر فرد مرتد توبه نکند، برای او مجازات کردن زدن مناسب است، و برای زن مرتد حبس عمری. اگر یک قاضی در ارتداد شخصی شک داشته باشد، می‌تواند جزای سبک تری را برای او تعیین نماید. طبق فقه حنفی، حکومت همچنان میتواند دارایی مرتدین را ضبط کند و یا مرتدین را از اخذ میراث، محروم کند. این حکم بر افرادی قابل تطبیق است که عقل سلیم داشته، و به سن بلوغ رسیده باشند. قانون مدنی سن بلوغ پسران را ۱۸ سالگی و سن بلوغ دختران را ۱۶ سالگی تعیین کرده است. قانون اسلامی بلوغ را بر اساس شواهد جسمی آن نزد پسران و دختران تعیین میکند.

بر اساس فقه حنفی که در محاکم قابل تطبیق میباشد، برگشت از اسلام به ادیان دیگر، ارتداد شمرده میشود. اگر شخصی از اسلام روگشته‌اند و به دین دیگری رو بیاورد، سه روز مهلت دارد تا دوباره توبه کرده و به اسلام رجوع کند. اگر چنین ننماید، سپس به مثابه مرتد، مورد جزا قرار خواهد گرفت. تبلیغ برای سعی به برگرداندن مردم از اسلام و گرویده ساختن آنها به دین دیگر، نیز طبق فقه حنفی که در محاکم قابل تطبیق است، غیرقانونی بوده و مرتکبین آن با عین جزا مواجه میگردد.

کفرگوئی، که تحریرات و سخنان علیه اسلام را شامل میشود، طبق فقه حنفی که در محاکم قابل تطبیق است، یک جرم سنگین می‌باشد. مشابه به مرتدین، به کفرگویان نیز از سوی محاکم سه روز مهلت داده می‌شود تا توبه کنند یا با جزای اعدام مواجه گردد، گرچه در شریعت کدام پروسه روشن برای توبه کردن وجود ندارد. در بعضی از احادیث (اقوال و یا افعال حضرت محمد که به مثابه قانون مذهبی یا رهنمود نزد پیروان پنداشته میشود) به این مسئله اشاره شده، و بحث و مناظره را با یک مرتد پیشنهاد میکند تا او به توبه کردن تشویق شود.

بر اساس یک حکم «ریاست عمومی افتاء و احتساب ستره محکمه» که در سال ۲۰۰۷ صادر شد، آئین بهائی، مجزاً از اسلام بوده و شکلی از کفرگوئی است. تمام مسلمانانی که به آئین بهائی گرویده‌اند، مرتد شمرده شده، و بهائیان، کافر خوانده میشوند.

برای گروه‌های مذهبی، صدور جواز یا ثبت قانونی لازم نیست. با آنهم، ثبت یک گروه (که به آن گروه حیثیت شورا را میدهد) یا یک انجمن، معنای به رسمیت شناخته شدن آن را افاده میکند و سود آن اینست که حکومت تأسیساتی را بری برگزاری سیمینارها و کنفرانس‌های آنها مهیا می‌سازد. طبق قانون، هر کسی که سن اش ۱۸ سال و یا بیشتر از آن باشد، میتواند یک سازمان اجتماعی یا سیاسی را تأسیس کند. چنین یک نهاد باید منشوری داشته باشد که با قوانین داخلی در تطابق بوده و نیز یک دفتر مرکزی داشته باشد. وزارت عدلیه میتواند از طریق یک دستور قضایی، چنین سازمان‌ها را لغو کند. گروه‌های که به حیث شورا شناخته میشوند، میتوانند که با هم دیگر در مسایل مذهبی همکاری داشته باشند. انجمن‌ها میتوانند با حکومت، و یا در کل با جامعه مراوده انجام دهند. هم گروه‌ها و هم انجمن‌ها میتوانند نزد وزارت عدلیه ثبت نام کنند. بر اساس دیتابیس یا مجموعه اطلاعات ثبت شده وزارت عدلیه، ۲۲۱۵ سازمان سنی و شیعه ثبت شده‌اند، در حالی که یک شورای ملی سیک‌ها و هندوها، نزد وزارت عدلیه، و دیگری به دلیل موقعیت آن، نزد وزارت سرحدات و امور قبایل ثبت است.

تولید، تولید مثل، چاپ، و نشر آثار و مواد منافی اساسات اسلام یا اهانت بار به ادیان و مذاهب دیگر در قانون منع شده است. قانون همچنان تبلیغ و ترویج ادیان دیگر، به غیر از اسلام، را منع کرده و مقالات روی هر گونه موضوعی که به زعم دولت ممکن سلامتی فیزیکی، روحی، و اخلاقی اشخاص، به ویژه اطفال و نوبالغان را آسیب برساند، ممنوع می‌باشد. قانون، به رادیو تلویزیون ملی افغانستان که یک نهاد دولتی می‌باشد، دستور می‌دهد که برنامه‌های بازتاب دهنده عقاید مذهبی تمام گروه‌های مذهبی در کشور را تهیه و پخش نماید. قانون همچنان رادیو تلویزیون دولتی را مکلف ساخته که برنامه‌هایش را در پرتو اساسات اسلامی، و همچنان ارزش‌های ملی و معنوی عیار سازد.

دربخش قانون جزاً آمده است اشخاصی که با استفاده از زور، جلو انجام مناسک کدام دین را بگیرند، آنها را «اماکن مجاز برای عبادت» (این اصطلاح در قانون جزا تعریف نشده) را که در آن مراسم مذهبی برگزار می‌شود، ویران ساخته یا آسیب برسانند، یا کسانی که کدام نشانه یا سمبول یک دین یا مذهب را تخریب کنند، به حبس شش ماه تا یک سال، و یا پرداخت جریمه به مبلغ بین ۳۰۰۰۰ افغانی تا ۶۰۰۰۰ افغانی (برابر ۴۳۰ تا ۸۷۰ دالر) مجازات می‌شود.

طبق قانون اساسی، «دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام» و همچنان نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای «مذاهب اسلامی» موجود در کشور تدوین می‌کند. نصاب ملی شامل مواد است که برای مکاتب با اکثریت سنی و مکاتب اکثریت شیعه، به طور جداگانه طرح شده، و نیز کتاب‌های درسی آن بر موضوعات و اصول غیرخوشونت بار اسلامی تأکید دارد. نصاب تعلیمی در برگرفته اصول مرتبط به دین اسلام بوده و هیچ دین دیگر را در بر نمی‌گیرد. غیرمسلمانان مکلف نیستند که در مکاتب عامه، مضامین اسلامی را فراه گیرند.

طبق قانون، تمام وجوه پولی کمک شده به مدارس از سوی منابع خصوصی یا بین المللی، باید از طریق وزارت معارف تنظیم و داده شود.

قوانین مدنی و جزا، مشروعیت خود را از قانون اساسی کسب می‌کنند. قانون اساسی تصریح می‌کند که محاکم در صدور حکم بر قضایا، از احکام قانون اساسی و نیز قوانین کشور پیروی می‌کنند. در مواردی که در رابطه با یک قضیه مشخص، نه در قانون اساسی و نه در قوانین عادی حکمی وجود داشته باشد، در آن صورت قانون اساسی می‌گوید که محاکم در محدوده تعیین شده قانون اساسی، با رعایت عدالت، بر اساس فقه حنفی فیصله کرده می‌توانند. قانون اساسی همچنان محاکم را اجازه می‌دهد تا در حل و فصل قضایای احوال شخصیه که در آن پیروان اهل تشیع دخیل باشند، بر اساس فقه تشیع حکم کنند. در مسایلی که نیاز به فقه شرعی دارند، غیرمسلمان نمی‌تواند به حیث گواه واقع شود. قانون اساسی هیچ ذکری از قوانین جداگانه برای غیرمسلمانان نکرده است.

یک مرد مسلمان می‌تواند با یک زن غیرمسلمان ازدواج کند، اما اگر زن پیروی از دو دین دیگر ابراهیمی – مسیحی یا یهودی – نباشد، نخست باید به دین اسلام مشرف شود. برای یک زن مسلمان، ازدواج با یک مرد غیرمسلمان غیرقانونی است.

قانون جزاً برای "جرائم علیه مذاهب"، که مشمول حمله لفظی و فیزیکی بر پیروان هر یک از ادیان میباشد، مجازات تعیین میکند. این قانون مشخص میسازد که اگر شخصی بر پیرو مذهب دیگر حمله کند، به حبس شش ماه تا یک سال محکوم میشود. مسئله کفرگویی نیز تحت شریعت فیصله میشود. این عمل طبق قانون یک جرم سنگین شمرده میشود.

در کارت‌های هویت دولتی یا تذکره‌ها، دین یک فرد درج است. افراد مکلف نیستند که برای به دست آوردن تابعیت، باورشان را به اسلام ظاهر سازند.

قانون اساسی میگوید که رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور باید مسلمان باشند. سایر مقامات ارشد (وزرا، اعضای پارلمان، قضات) باید منحصراً بخشی از مراسم تحلیف‌شان، بر پابندی و متابعت از اصول اسلام سوگند یاد کنند.

قانون اساسی، تشکیل احزاب سیاسی را اجازه میدهد، البته به شرطی که منشور و مرامنامه حزب، «متناقض با احکام دین مقدس اسلام» نباشد. قانون اساسی بیان میدارد که احزاب سیاسی نباید بر مبنای فرقه‌گرایی تشکیل شوند.

قانونی که بر اساس صدور یک فرمان اجرایی رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۶ توشیح شد، یک کرسی اضافه در ولسی جرگه شورای ملی را برای یک عضو جامعه هندو/سیک کشور اختصاص میدهد. همچنان چهار کرسی پارلمان به اسماعیلی‌ها اختصاص یافته‌اند.

بر اساس مجموعه اطلاعات، وزارت عدلیه، افغانستان بر اساس فرمان سال ۱۹۸۳ ریاست جمهوری، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده، اما پارلمان هنوز پیوستن با این میثاق را به تصویب نرسانیده است.

عملکرد های حکومت

خلاصه مطلب: کسانی که از اسلام به سایر ادیان گرویده بودند، میگویند که آنان هنوز هم از بابت مجازات از طرف حکومت، و یا اقدامات تلافی‌جویانه خانواده و اجتماع در هراس هستند؛ با این هم، کدام قضیه تعقیب عدلی ارتداد و یا کفرگویی گزارش داده نشده است. طبق گفته جوامع هندو و سیک، آنها هنوز هم از حل و فصل دعاوی و مناقشات شان از طریق محاکم، اجتناب می‌ورزیدند، زیرا از انتقام می‌ترسیدند و ترجیح میدادند مناقشات را از طریق شورا های اجتماع حل کنند. نمایندگان اقلیت‌های مذهبی، همچنان می‌گفتند که محاکم برای افراد غیرمسلمان، عین حقوق مسلمانان را قایل نمیشد. یک شمار اندک سیک‌ها و هندو‌ها به انجام وظایف در مقام‌های حکومتی گماشته شده‌اند.

به تاریخ ۲۵ جون، رئیس‌جمهور سران سیک و هندو را برای بحث روی اهمیت این جوامع اقلیت مذهبی و حضور دیرینه آنها و سهمگیری ارزشمند شان در ساخت کشور، به قصر ریاست جمهوری دعوت کرد. با

آن که بعضی از شیعیان مقام‌های بلند پایه را در حکومت احراز کرده بودند، سران شیعه میگفتند که تعداد این مقام‌های رسمی، به پیمانۀ نفوس شان نبوده و شکایت داشتند که حکومت در مناطق اکثریت شیعه نشین، به تحکیم امنیت توجه ندارد. اعضای سنی مذهب شورای علما همچنان ادعا داشتند که شیعه‌ها، بر اساس تخمین سنی‌ها از فیصدی آنها در نفوس کشور، در حکومت سهم بیش از لزوم دارند. ناظران بیان داشتند که این بحث‌ها نسبت به علایق مذهبی بیشتر به علایق قومی میان مردم مربوط میشود.

در جریان سه سال گذشته، هیچ اطلاع در دست که گویا حکومت از بابت ارتداد یا کفر گوئی کسی را تحت تعقیب عدلی قرار داده باشد، اما افرادی که از اسلام روگشاندۀ بودند، بیان داشتند که آنان هنوز هم از بابت فسخ ازدواج شان، طرد از سوی خانواده و اجتماع، از دست دادن کار، و احتمالاً سزای مرگ در هراس بودند. از اینکه بهایی‌ها در جمع کفار شمرده میشوند و مرتد نیستند بناً آنها به هیچ جرمی متهم نمیشدند. راجع به فردی که در سال ۲۰۱۳ به جرم کفرگویی به ۲۰ سال حبس محکوم شده بود، کدام معلومات تازه در دسترس نیست.

وزارت حج و اوقاف مسئول تنظیم امور زیارت (حج و عمره)، جمع‌آوری عواید برای فعالیت‌های مذهبی، اکتساب ملکیت‌ها برای مقاصد مذهبی، صدور فتواها، اخذ امتحان آموزشی از امامان، آماده ساختن خطبه‌ها و توزیع آنان به مساجد تحت‌الحمایۀ دولت، و بلند بردن سطح آگاهی عامه در مسایل مذهبی میباشد. حکومت هم سنی‌ها و هم شیعیان را اجازه رفتن به زیارت را بدون تعیین کدام سهمیه برای یکی از این گروه‌ها میدهد. برای تامین هزینه غذا، بود و باش و مصارف سفر بالای زائرین حج، فیس تعیین شده است. وزارت حج و اوقاف همچنان زمینۀ سفرهای زیارتی هندوها و سیک‌ها به هند را تسهیل کرد، اما برای غیرمسلمانان درین زمینۀ هیچ نوع فعالیت یا جمع‌آوری عواید صورت نگرفته است. مسلمانان احمدی گفتند که آنها ترجیح دادند تا با وزارت حج و اوقاف مرادۀ ای نداشته باشند، زیرا آنها در هراس بودند که این وزارت آنها را نامسلمان خوانده و از رفتن به حج بازخواهند داشت.

وزارت حج و اوقاف گزارش داده است که تا پایان سال، از جمله تقریباً ۱۶۰۰۰۰ ملا که در سراسر کشور فعالیت داشت، به تعداد ۴۵۸۹ ملا که مستقیماً به این وزارت کار میکردند، ثبت و راجستر بودند. ملاها به طور اوسط، ماهانه ۱۰۰۰۰ افغانی (برابر ۱۴۰ دالر) از حکومت معاش می‌گرفتند. وزارت حج و اوقاف به ملاهایی که به وظایف امامت در مساجد ثبت شده در آن وزارت درخواست میدادند، شرط تعیین شدن آنها داشتن حد اقل یک سند لیسانس یا معادل آن را که از سوی وزارت معارف تصدیق شده باشد بود. به گفته وزارت حج و اوقاف، از جمله تقریباً ۱۶۰۰۰۰ مسجدی که در کشور وجود دارد، حدود ۵۰۰۰۰ آن ثبت شده است، که از آن جمله ۷۰۰ مسجد اضافی در سال جاری ثبت گردید. وزارت حج و اوقاف گفت که این وزارت برای ایجاد یک سیستم جامع ثبت ملاها و مساجد در کشور منابع مالی در اختیار ندارد.

وزارت حج و اوقاف گفت که بخشی از بودجه‌اش را برای کمک به اعمار مساجد جدید اختصاص داده است. گروه‌های محلی بیشترین بخش مصارف برای مساجد جدید را می‌پرداختند، و مکلف نبودند که آن وزارت را از ساختمان‌های جدید آگاه سازند، مگر این که خودشان خواهش تقاضای کمک مالی یا دیگر کمکی را میداشتند.

طبق گفته های هندوها و سیک ها، آنان آزادانه اجازه داشتند که برای خود معابد بسازند و نیز اجازه داشتند که به سایر هندو ها و سیک ها برای تربیت آنها منحیث عالم روحانی، آموزش دهند. اما به اساس قانون تغییر دین از اسلام به سایر ادیان قابل مجازات خوانده شده است، آنها نمیتوانستند تبلیغ مذهبی کنند. بر اساس گفته های سیک ها و هندو ها، آنها سعی میکردند مناقشات زمین شان را از طریق محاکم حل نکنند، زیرا از انتقام گیری ها هراس داشتند، خصوصاً وقتی بزرگان قدرتمند محلی، ملکیت های آنها را قبضه می کرد. به تاریخ ۲۵ جون، رئیس جمهور اشرف غنی برای گفتگو روی وضعیت سیک ها و هندو ها و اذعان حضور دیرینه شان در کشور و سهم شان در ساخت کشور، با سران سیک و هندوی افغان جلسه ای تشکیل داد.

گرچه حکومت برای سوزانیده شدن اجساد هندو ها و سیک ها، زمین را اختصاص داده، اما به گفته بزرگان سیک، فاصله دور آن از هرگونه منطقه شهری و نبود امنیت در منطقه، آن زمین را غیرقابل استفاده کرده است. هندو ها و سیک ها، مداخله از سوی اهالی نزدیک به اماکین مراسم آتش زدن اجساد وفات یافتگان شان طبق رسوم آنها را گزارش دادند. در پاسخ به این مشکل، حکومت به گماشتن پولیس برای حمایت و حفاظت از اجتماع سیک ها و هندو ها در زمان مراسم سوزانیدن اجساد آنان پرداخته است. حکومت به سیک ها و هندو ها، وعده اعمار محلات عصری سوزانیدن اجساد وفات یافته گان شان را داده است.

وزارت حج و اوقاف گزارش داد که ۴۰۹۳ مدرسه و دارالحفاظ ثبت شده در سراسر کشور وجود دارد. به تعداد ۱۵۲ مدرسه در کابل ثبت بوده، و متباقی ۳۹۴۱ آن در ولایات و سایر شهرها موقعیت دارند. در حالی که حکومت در طول سال بعضی مدارس را ثبت کرد، اما تعداد آن را گزارش نداده است. بر اساس آخرین تخمین ها که در دسترس قرار دارد، در مدرسه ها، بیش از ۳۷۰۰۰۰ شاگرد دینی آموزش می بینند که بیشترین آنها در ولایات کابل، بلخ، ننگرهار، و هرات هستند.

در روند ثبت و راجستر مدارس، داشتن یک ساختمان مناسب، صنف ها، معلمان با تحصیلات معتبر، و در صورت بود و باش شاگردان در مدرسه، داشتن یک لیلیه از مستلزمات شمرده میشود. وزارت حج و اوقافمداری را که در کنار مساجد موقعیت داشتند و همچنان مداری را که از مساجد فاصله داشتند ثبت میکرد، در مدارس تحت اداره وزارت حج و اوقاف، شاگردان به گونه انفرادی تعلیم می یافتند، و یک امام حدود ۵۰ الی ۷۰ تن از اطفال را در سطوح مختلف تدریس می کرد. فقط اسناد فراغت صادر شده از سوی مدارس ثبت و راجستر شده، فارغان را واجد شرایط می سازد تا در پوهنتون های دولتی به تحصیلات عالی ادامه بدهند.

وزارت حج و اوقاف در مورد مدارس ثبت نشده، هیچ آماری ارائه کرده نتوانست، اما بیان داشت که تخمین میکند تعداد مدارس ثبت شده نسبت به مدارس ثبت نشده بیشتر " است. وزارت معارف صلاحیت مسدود کردن مدارس ثبت نشده را به عهده دارد. اما مقامات آن وزارت گفتند که به اساس حساسیت های محلی عملی این کار تقریباً ناممکن است. به گفته مقامات وزارت حکومت، قسماً به دلیل پیامد های ناگوار اجتماعی، هیچ مدرسه ای را در جریان سال مسدود نکرده است. آنان افزودند که حکومت به تلاش خود در بلند بردن سطح آگاهی در باره فواید ثبت مدارس، به شمول به رسمیت شناخته شدن شهادتنامه های فراغت، کمک مالی و مادی از قبیل تهیه و تدارک فرنیچر و قرطاسیه ادامه میدهد.

دروس ابتدایی مذهبی از سوی مساجد به پیش برده میشود. به تعداد ۸۰ مدرسه که نزد وزارت حج و اوقاف ثبت بودند، برنامه های دوساله تحصیلی در سطح ثانوی را ارایه میداشتند. در مجموع به تعداد ۱۲۰۰ مدرسه دولتی و ۲۰۰ مدرسه خصوصی نزد وزارت معارف ثبت شده است.

طبق اظهارات مقامات حکومتی، شرط قانونی برای مدارس ثبت شده جهت دریافت کمک های خصوصی و یا خارجی این بود که کمک های یاد شده را، از طریق وزارت معارف بدست آورند، تا حکومت بتواند روند کمک های مالی به نهاد های آموزشی را زیر نظر داشته باشد. مقامات گفتند که وزارت معارف ندرتاً بر مدارس که به خاطر کوتاه آمدن شان در انجام این کار، تحریم وضع کرده است. مقامات می افزایند که تمایل دوامدار نهادهای کمک کننده برای کمک نقدی مستقیم به مدارس، ردیابی پول های آمده از منابع خصوصی یا خارج را برای حکومت دشوار می ساخت. با وجود این، تلاش های حکومت برای جمع آوری کمک ها از سایر کشورهای مسلمان و از منابع خصوصی انفرادی برای حمایت از مدارس، ادامه یافته است. وزارت معارف مدارس مستقل را مکلف ساخت تا جواز فعالیت حاصل کرده و منابع مالی شان را آشکار سازند.

ریاست معارف اسلامی وزارت معارف، به تهیه یک نصاب معیاری برای مدرسه های ثبت شده، پرداخت. محتویات آموزشی این نصاب را ۶۰ درصد تعلیمات مرتبط مذهبی و ۴۰ درصد آن را تعلیمات عمومی، از قبیل ریاضیات، تاریخ، جغرافیه، و ادبیات دری تشکیل میدهد.

برای آموزش دادن اطفال اهل سیک یک مکتب به همکاری مالی حکومت در شهر کابل فعالیت میکند. این مکتب، از حکومت سهمیه پول را برای تمویل معاشات کارمندان، کتابها، و حفظ و مراقبت بدست می آورد. وزارت معارف نصاب تعلیمی مکتب سیک ها را به استثنای دروس مذهبی نیز تهیه میسازد. جامعه سیک ها برای پیشبرد دروس مذهبی، یک معلم گماشت که معاش او از طریق وزارت معارف پرداخته میشود.

یک باب مکتب مخصوص اهل سیک که مصارف ساخت آن توسط کمیته سویدن برای افغانستان تمویل شده در شهر جلال آباد به فعالیت های آموزشی خود ادامه میدهد. اطفال سیک ها در مکاتب خصوصی بین المللی نیز درس میخواندند. هندو ها نیز اطفال شان را به مکاتب سیک ها میفرستادند.

مسلمانان احمدی میگویند که آنان اطفال شان را به مکاتب عامه میفرستادند، اما پیوند مذهبی اطفال شان را پنهان نگه میداشتند. در این کشور، هیچ مکتبی برای پیروان مسیحیت وجود ندارد.

منابع حقوقی گفتند که محاکم در قضایای مدنی و جنایی بر قانون مدون اتکا دارند. با آنهم، در بعضی موارد افراد اقلیت های مذهبی میگویند که محاکم حتی در مواردی که احکام فقهی با تعهدات بین المللی آن کشور در قبال تامین حقوق بشر در تناقض هم واقع میشود، از فقه حنفی در فیصله های شان استفاده میکردند.

رئیس جمهور در مسایل قوانین اسلامی به کسب مشوره از شورای علماء، که گروهی از علمای اسلامی سنی و شیعه، امامان، و منصفین مسلمان از سراسر کشور را احتوا میکند دیدار میکرد. این شورا هر دو ماه بعد با رئیس جمهور دیدار داشت، و بر مسایلی همچو حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان، و گفتگوهای صلح با گروههای شورشی، بحث و تبادل نظر میکرد. شورای علماء همچنان پارلمان یا شورای ملی، و وزارتخانهها را روی ترتیب مسوده قوانین جدید و تطبیق قوانین موجود مشوره میداد.

با آن که شورای علماء رسماً از حکومت مجزا بوده و یک نهاد مستقل است، اما اعضای آن حمایت مالی را از دولت به دست می‌آوردند. این شورا بعضی از ادارات ولایتی را نیز مشوره میداد، طبق گفتههای علماء و موسسات غیر دولتی در قریهها و در مناطق روستایی تصامیم معمولاً بر اساس تعابیر محلی از قوانین و رسوم اسلامی اتخاذ می‌گردید. رئیس جمهور غنی و رئیس اجراییه عبدالله عبدالله در جریان سال، سخنرانیهای فراوانی در حمایت از تحمل مذهبی ایراد کرده اند.

گروههای اقلیت مذهبی میگویند که محاکم، هنوز هم مصئونیتی را که قانون برایشان فراهم کرده است، به آنها داده میشود و به غیرمسلمانان، عین حقوق مسلمانان را قایل نمیشد، حتی وقتی که غیرمسلمانان قانوناً مستحق آن حقوق هم میبودند. طبق گزارش رسانهها و گفتههای نمایندگان اقلیتهای مذهبی غیرمسلمان، برای بعضی از افراد این اقلیتها گفته میشود که به آنان حقوق مساوی به دلیلی داده نمیشود که آنان "هندیها" اند، نه افغان، گرچه آنان تابعیت افغانستان را هم داشتند. اعضای اقلیتهای مذهبی گفتند که دولت، به شمول محاکم، با تمام شهروندان طوری برخورد میکند می که گویا همه آنان مسلمان اند، و برخی از حقوق اساسی شهروندی غیرمسلمانان، مراعات نمی‌گردید. در نتیجه، آنها میگفتند که غیرمسلمانان می‌توانند طبق فقه حنفی مورد محاکمه قرار گیرند.

سیکها و هندوها گفتند که اعضای اجتماع آنها از راجع ساختن قضایا مدنی خود به محاکمه اجتناب کردند زیرا آنها باور داشتند که در چارچوب میکانیزم حل و فصل منازعات مانند محکمه خاص دعوی ملکیتها مصونیت ندارند، بناً اعضای اجتماع آنها ترجیح میدادند تا منازعات خود را درین خود حل و فصل کنند.

بزرگان جوامع هندوها و سیکها بیان داشتند که آنها با تعبیض مواجه میشدند، از قبیل تأخر طولانی مدت در حل قضایای شان در سیستم قضایی. ضبط غیرقانونی ملکیتهای اهل سیک از جمله رایجترین نوع مسایل حقوقی بود.

تعداد اندک از سیکها و هندوها در بیستهای حکومتی گماشته شده اند که شامل یک تن مامور در سطح شاروالی، یک تن در اتاق تجارت و صنایع، و یک تن هم به مثابه عضو انتصاب شده از سوی رئیس جمهور در مشرانو جرگه میشود.

با آن که مسلمانان شیعیان مقامهای ارشد را در حکومت اشغال کرده اند، آنها میگویند که تعداد شیعیان تعیین شده در نهادهای حکومتی نسبت به فیصدی جمعیت تخمین شده آنها در سطح تمام کشور متناسب

نمیباشد. اعضای سنی مذهب شورای علما بیان داشتند که شیعیان، بر اساس تخمین سنی ها، به تناسب نفوس شان، حضور گسترده تر در حکومت دارند. سایر ناظران غیرشیعه می‌گفتند که سهم شیعه در حکومت، بیشتر به نژاد هزاره ربط داشت تا به مسایل مذهبی.

با آن که چهار نفر از مسلمانان فرقه اسماعیلیه عضویت در پارلمان را دارند، رهبران اجتماع اسماعیلیان نگرانی خود را در مورد اینکه فرقه اسماعیلیه از مقام های با صلاحیت سیاسی دور نگهداشته شده اند، اظهار داشتند.

کمیسیون های قضایی، قانون اساسی، و حقوق بشر که مرکب از پیروان مذاهب مختلف اسلامی (شیعه و سنی) بودند، و از سوی حکومت نیز حمایت میشدند، به تلاش ها در جهت مصالحه و همزیستی میان مذاهب مختلف مسلمانان ادامه دادند. وزارت امور زنان و وزارت حج و اوقاف، برای نایل آمدن به هدف مشترک شان مبنی بر مهیا کردن فرصت برای حضور زنان در مساجد، باهم کار میکنند. مرکز اعتدال افغانستان یک نهاد غیردولتی است که به حمایت مالی حکومت برای ترویج آنچه که حکومت به عنوان تفسیر معتدل اسلام میخواند فعالیت میکند. این مرکز در برنامه تبادلات تحصیلی علمای شیعه و سنی افغان را برای آموزش به کویت میفرستاده و سپس آنان را به حیث اساتید در ولایات مختلف تعیین کرده است تا به سایر علما آموزش دهند. این مرکز ۵۰۰۰ جلد کتاب را که محتویات آن را مسایل دینی مبارزه با افراطیت، و جنگ جاری در کشور تشکیل میداد، توزیع کرده است. شورای علما، شورای اخوت اسلامی، و وزارت حج و اوقاف نیز به کار کردن در جهت مصالحه و همزیستی مذهب ادامه دادند.

دفتر شورای امنیت ملی به کار خود در امر مبارزه با افراطیت خشونت آمیز که انگیزه مذهبی دارد ادامه میدهد. دفتر شورای امنیت ملی، یک سلسله کنفرانس ها را راجع به افراطیت خشونت آمیز ناشی از انگیزه های مذهبی به سطح ولایات راه اندازی کرده و منظور از آن، جمع آوری معلومات برای ایجاد یک استراتژی مبارزه علیه افراطیت خشونت آمیز میباشد. دفتر شورای امنیت ملی، یک گروه کاری بین وزارت خانه ها را نیز ایجاد کرده تا تلاش های نهاد های مربوطه حکومتی و موسسات غیردولتی را برای تدوین استراتژی، هماهنگ سازند.

رفتارهای نامناسب نیروهای خارجی و عاملان غیردولتی

به گفته خبرنگاران، ناظران محلی، و دفتر یوناما شاخه خراسان گروه داعش، طالبان، و سایر گروه های شورشی با انجام حملاتی، گروه های مشخص مذهبی و قومی مثل هزاره های شیعه را هدف قرار دادند. به اساس گزارش رسانه ها شاخه خراسان گروه داعش می‌گفت که حملات شان بر شیعیان کشور، قابل توجیه است زیرا جنگجویان شیعه به ملیشه هایی که در سوریه و عراق علیه داعش می‌جنگند، پیوسته اند. طبق گزارش رسانه ها، شاخه خراسان داعش همچنان شیعیان افغانستان را به طرفداری از حکومت متهم ساخته و منسوبین امنیتی و نظامی را که در مساجد در حال ادا کردن نماز بودند، هدف حملات خود قرار دادند. به اساس گزارش سالانه دفتر یوناما راجع به مصئونیت افراد ملکی در منازعات مسلحانه، استفاده مختلط

از بم های انتحاری و غیر انتحاری از سوی "عناصر ضد حکومت"، به تعداد ۴۱۵۱ تلفات (۱۲۲۹ کشته و ۲۹۲۲ زخمی) به بار آورده، که ۴۰ فیصد تمام تلفات ملکی کشور در طول سال را تشکیل میدهد.

دفتریوناما از ۳۷ حمله، ۴۹۹ واقعه تلفات ملکی را ثبت کرد (۲۰۲ کشته و ۲۹۷ زخمی)، که اکثریت بزرگ این حملات را "عناصر ضد حکومت" در طول سال بالای عبادتگاه ها، سران مذهبی، و نمازگزاران انجام دادند. این حملات شامل کشتار های هدفمندانه، آدم ربایی و ارباب بود و ۳۲ درصد افزایش را در تلفات ملکی ناشی از اینگونه حملات نشان میداد که در مقایسه با ۲۰۱۶، تعداد تلفات آن دوبرابر و تعداد حملات آن سه برابر شده است. بر اساس گفته های دفتریوناما، شاخه خراسان گروه داعش، مسئولیت ۱۸ حمله و از جمله ۴۹۹ تلفات ملکی، مسوولیت کشته شدن ۴۱۲ تن را برعهده گرفت؛ طالبان مسئولیت ۲۰ حمله را برعهده گرفته، در حالی که د سال ۲۰۱۶ مسئولیت هفت حمله را برعهده گرفته بودند.

به اساس یافته های گزارش سالانه دفتر یوناما، حملات علیه اماکن عبادت شیعیان و/یا نمازگزاران شیعه، ۸۳٪ تمام تلفات ملکی ناشی از حملات بر عبادتگاه ها، بزرگان مذهبی، و نمازگزاران را تشکیل میداد. نزدیک به یک بر سوم حصه حملات شاخه خراسان گروه داعش، مسلمانان شیعه را هدف قرار داده است که شش حمله مستقیم بالای اماکن عبادت یا مساجد شیعیان شامل آن میشود.

حملات بالای مساجد شیعیان، که مسئولیت آن را شاخه خراسان گروه داعش برعهده گرفته است شامل: یک حمله انتحاری مورخ ۱۵ جون بر یک مسجد شیعیان در غرب کابل که پنج تن را کشت؛ حمله مورخ ۱ اگست توسط دو بمگذار انتحاری بر یک مسجد شیعیان در هرات که ۲۹ نمازگزار را کشت و ۶۴ تن را زخمی ساخت؛ حمله مورخ ۲۵ اگست توسط یک فرد مسلح و یک بمگذار انتحاری بر یک مسجد شیعیان در غرب کابل که ۴۰ نفر در آن کشته و ۱۰۰ تن دیگر زخمی شدند؛ و یک حمله انتحاری مورخ ۲۰ اکتوبر که در آن حمله کننده، بم دستی ای را در بخش اناث یک مسجد شیعیان در کابل پرتاب کرد و سپس واسکت انتحاری خود را در صف دوم نمازگزاران منفجر ساخت. در آن حمله، ۵۷ نفر کشته و ۵۵ تن دیگر زخمی شدند.

حملات بر مساجد شیعیان که هیچ گروهی مسئولیت آن را برعهده نگرفته اند: حمله بمی مورخ ۱ جنوری بر یک مسجد شیعیان در هرات که شش نمازگزار را زخمی ساخت، انفجار مورخ ۶ جون در بیرون از مسجد بزرگ هرات، مسجد شیعیان بنیاد یافته در سال ۱۴۴۶، که در آن هشت نفر کشته و ۱۰ نفر زخم برداشتند.

به تاریخ ۲۹ سپتمبر، یک بمگذار انتحاری، دو روز قبل از عاشورا، در یک مسجد شیعیان در کابل هفت نفر را کشت و ۳۷ تن دیگر را زخمی ساخت.

رسانه ها، شکایات اعضای جامعه شیعه مذهب را که از تداوم عدم توجه حکومت به مصئونیت آنان نگرانی داشتند، گزارش دادند. در پاسخ به این حملات، وزارت داخله تدابیر اضافی امنیتی را در اطراف مساجد شیعیان اعلام داشت و غیرنظامیان شیعه را نیز اجازه مسلح شدن داد، تا زیر نظر پولیس، امنیت بیشتری را در روز عاشورا تأمین کنند. در جریان مراسم عاشورا، کدام واقعه خشونت آمیزی رخ نداد - که در مقایسه با سالهای اخیر، تفاوت چشمگیری نشان میداد.

طبق گزارش رسانه ها، نیروهای ضد حکومت، مساجد اهل تسنن را نیز آماج قرار دادند. به تاریخ ۱۰ جون، جنگجویان طالبان در شهر گردیز ولایت پکتیا وارد یک مسجد سنی ها شده و سه نمازگزار را کشتند. به تاریخ ۱۱ اگست، افراد مسلح سه نمازگزار را در یک مسجد سنی ها در ولایت تخار کشتند. گفته میشود که جناح های رقیب محلی، که به طالبان یا شاخه خراسان گروه داعش ارتباطی نداشتند، گویا بر سر امامت نماز، مناقشه کرده و منتج به گلوله باری شد.

دامنه حملات شاخه خراسان گروه داعش از مساجد فراتر نیز ادامه پیدا کرده است. بر اساس یک گزارش رسانه های محلی، به تاریخ ۲۸ سپتمبر، در یک انفجار در سینمائی واقع در منطقه چنداول شهر کابل که تعداد زیاد باشندگان آن شیعه مذهب اند، سه فرد، به شمول دو پولیس، کشته و ۱۶ تن دیگر زخمی شدند. سخنگوی وزارت داخله گفت که این انفجار ناشی از یک بم مقناطیسی یا چسپکی ای بود که به یک موتر پولیس نصب گردیده بود. رسانه های گروه داعش گفتند که هدف این حمله تالار گردهمایی شیعیان در آن ساحه بود. به تاریخ ۲۱ دسمبر، شاخه خراسان گروه داعش یک بم دستی را ذریعه ریموت کنترل، در بیرون یک کتابخانه در یک محله عمدتاً شیعه نشین منفجر کرد که در آن چهار تن کشته و ۱۰ دیگر زخمی شدند. به تاریخ ۲۸ دسمبر، یک بمگذار انتحاری مربوط شاخه خراسان گروه داعش، آژانس خبری صدای افغان و یک مرکز فرهنگی شیعیان در کابل را مورد حمله قرار داد، که بیش از ۴۰ نفر را کشت و حد اقل ۸۰ نفر را زخمی کرد.

راه اندازی حملات بالای قریه های شیعیان و ملکیت های شخصی نیز ادامه پیدا کرد. به تاریخ ۶ جنوری، افراد مسلح ناشناس یک بس حامل کارگران شیعه معدن ذغال سنگ را در ولایت بغلان متوقف ساختند و حد اقل ۹ تن از سرنشینان آن بس را کشتند. به تاریخ ۶ اگست، افراد مسلح مرتبط با طالبان و شاخه خراسان گروه داعش، حد اقل ۵۰ نفر ملکی، به شمول زنان و کودکان، را در یک قریه شیعه نشین ولایت سرپل کشتند.

طالبان بزرگان مذهبی را به خاطر موعظه هایی که پیام آن با تعبیر طالبان از اسلام یا با هدف های سیاسی شان متغایر بود می کشتن و به مرگ تهدید میکردند. به تاریخ ۲۲ مارچ، افراد مسلح مظنون طالبان، یک امام و عضو پیشین شورای ولایتی را در ولایت لغمان ترور کردند. به تاریخ ۷ ماه می، یک عالم دین و مشاور رسانه پی مقام ولایت کندهار، با ضرب گلوله کشته شد، بخاطری که گویا جهاد طالبان را "نامشروع" خوانده بود. به تاریخ ۹ ماه می، رئیس شورای علمای ولایت پروان، که از منتقدین علنی طالبان شمرده میشود، ذریعه یک بم جاگذاری شده، همراه با شش طفلی که در مدرسه او درس میخواندند، کشته شد؛ مسئولیت آن حمله را طالبان برعهده گرفتند. به تاریخ ۲۲ می، افراد مسلح مظنون طالبان، معاون شورای علمای ولایت لوگر را در حالی که پیاده به سوی مسجد میرفت، با ضرب گلوله کشت، و به تاریخ ۲۸ می، افراد مسلح مظنون طالبان یک عضو شورای علمای ولایت پکتیا را در آن ولایت با ضرب گلوله کشتند. طالبان همچنان مسئولیت ترور معاون تعلیمات اسلامی در ولایت کاپیسا را که به تاریخ ۱ جولای انجام شد، و ترور یک ملای طرفدار حکومت در ولایت ننگرهار را به تاریخ ۱۵ جولای برعهده گرفتند. در جریان سال، یوناما ۲۶ واقعه کشتار هدفمندانه علما و بزرگان دینی را ثبت کرد، درحالی که در سال ۲۰۱۶ تعداد اینگونه واقعات به هشت میرسید.

افزون بر هدف قرار گرفتن نمازگزاران و بزرگان دینی، از تاریخ ۱ جنوری سال ۲۰۱۶ تا ۷ نوامبر ۲۰۱۷، یوناما ۲۵ واقعه تروریستی که در آن اشخاص انفرادی هدف قرار گرفته است به ثبت رسانیده. این اشخاص در حال که اهداف نظامی تلقی می‌شدند در داخل مساجد بودند، مورد حمله قرار گرفتند. اکثریت آنها یک که در عبادتگاه‌ها آماج حمله قرار گرفتند، افراد ملکی مظنون به حمایت از حکومت بودند، به شمول بزرگان قومی، مقامات قضایی، کارمندان ملکی حکومت، و معلمانی که در داخل مسجد نماز می‌خواندند. طبق گفته یوناما، به تاریخ ۲۷ نوامبر، طالبان امام یک مسجد در ولایت ننگرهار را به اتهام حمایت از دولت، با ضرب گلوله کشتند. به تاریخ ۲۳ جولای، شاخه خراسان گروه داعش یک امام محلی در ولایت سرپل را به اتهام ارتکاب "جادو یا سحر" کشتند. آن ملا امام برای نمازگزاران، تعویذ میداد که در جامعه افغانی مرسوم است. در چندین قضیه، روشن نشد که کی مسئول حملات بر مقامات مذهبی بوده است. به طور مثال، به تاریخ ۱۷ مارچ، رئیس امور حج و اوقاف ولایت ننگرهار از یک بمگذاری انتحاری که در آن برادرش کشته شد، جان سالم بدر بُرد. در سپتمبر، مهاجمین ناشناس سوار بر موترسایکل، رئیس شورای علمای ولایت کاپیسا را در مربوطات ولسوالی حصه اول کوهستان کشتند. به تاریخ ۱۲ اکتوبر، افراد مسلح ناشناس سوار بر موترسایکل، یک امام را بیرون از مسجد اش در ولایت ننگرهار کشتند.

گزارش‌هایی وجود داشت که طالبان هشدار دادن به ملاها را ادامه داده و آنان را از ادا کردن نماز جنازه منسویین امنیتی حکومت منع می‌کردند. در نتیجه، طبق گفته رئیس مدارس وزارت حج و اوقاف، ملا امامان نگرانی خود را از اشتراک و ادا کردن نماز جنازه منسویین نیروهای ملی افغان و سایر کارمندان حکومتی، ابراز داشتند. وزارت حج و اوقاف همچنان گزارش داد که در گماشتن امامان برای مساجد ثبت شده در ساحات ناامن، به دلیل تهدیدات طالبان مشکل وجود داشت.

گزارش‌هایی نیز وجود دارد که طالبان و شاخه خراسان گروه داعش فعالیت‌های و عادات اجتماعی مردم مناطق را که بر آن تسلط دارند در رسانه‌های اجتماعی تحت نظر داشته و برای اهالی آن مناطق، طبق تعبیر افراطی خود از شریعت اسلام، به مجازات محکوم می‌کنند. گزارش‌هایی نیز وجود دارد که طالبان و شاخه خراسان گروه داعش در مناطق تحت کنترل خود اداره مکاتب را در دست گرفته و نصاب تعلیمی خود را بالای شاگردان تحمیل می‌کنند.

بخش ۳: وضعیت احترام گذاری جامعه به آزادی مذاهب

سیک‌ها، هندوها، مسیحیان، و سایر اقلیت‌های غیرمسلمان گفتند که آنها از طرف مسلمانان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند با آن هم هندوها و سیک‌ها افزودند که آنها میتوانند که مناسک مذهبی خود را در اماکن عام و بصورت علنی بجا آورند. اعضای اجتماع هندوها گفتند که آنان در مقایسه با سیک‌ها، با واقعات کمتر آزار و اذیت مواجه بودند، که دلیل، آن را نپوشیدن لنگی مخصوصی که آنها را از هم متمایز بسازد پنداشته میشود. از این که در بیشتر موارد ارتباط نزدیک میان دین و نژاد وجود دارد، در بیشتر موارد ارتباط دادن و پنداشتن اینکه بسیاری از واقعات فقط جنبه مذهبی دارد دشوار است.

چندین گزارش رسانه بی وجود داشت که بزرگان مذهبی، جوانان را به روزه گرفتن در ماه رمضان مجبور می ساختند. در یکی از این واقعات، یک ملا که برای کمیسیون امر به معروف و نهی از منکر ولایت بلخ کار میکرد، موه‌های سر یک مرد جوان را تراشید تا او را به خاطر روزه نگرفتن، شرمسار سازد.

زنان پیرو عقاید مختلف، به شمول اسلام، گزارش دادند که آنها از طرف بزرگان مذهبی محلی مسلمان به خاطر طرز پوشیدن لباس مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند. در نتیجه این اتفاق آنها گفتند که، بسیاری از زنان به پوشیدن برقع یا چادری در ملاعام در مناطق روستایی و برخی ساحات شهری به شمول کابل، ادامه دادند. تقریباً همه زنان یک نوع چادر را برای پوشانیدن سر خود استفاده میکنند. برخی از زنان گفتند که آنها به رضایت خود این کار را میکنند، اما بسیاری ها گفتند که آنان به منظور احساس مصئونیت بیشتر در اجتماع، حجاب را برگزیده اند. وزارت حج و اوقاف و شورای ملی علما، هر دو بیان داشتند که در رابطه با طرز لباس پوشیدن، هیچ نوع فشاری بالای زنان وجود نداشته است.

مسلمانان احمدی گفتند هنگام که همسایگان یا همکاران آنها راجع به عقاید شان آگاه میشدند، آنها را مورد آزار اذیت قرار میدادند. مسلمانان احمدی گفتند که آنها همچنان از بابت تماس گرفتن با جوامع مسلمانان احمدی در خارج از کشور، به "جاسوس" بودن متهم میشدند. آنها گفتند که از ترس اینکه تحت تعقیب عدلی قرار نگیرند، به تبلیغ دینی نپرداخته اند. احمدی ها یک مکان برای عبادت داشتند، اما آن را بدون نشانه های مذهبی مناره ها، و سایر علایم ساختاری نگهداشتن تا برای مردم عام آنرا ندانند که این مکان مذهبی مربوط اجتماع مسلمانان احمدی میشود.

نمایندگان مسیحیان می گفتند که مردم هنوز هم در برابر تازه گرویدگان به دین مسیحیت و مفکوره تغییر دین دادن به مسیحیت، احساس متخاصم داشتند. نمایندگان مسیحیان بیان داشتند که مسیحیان از ترس تبعیض اجتماعی و تعقیب عدلی، مناسک مذهبی خود را بصورت انفرادی و یا در جمعیت های کوچک در خانه های خصوصی بجا میاوردند. کلیسا های علنی برای مسیحیان وجود نداشت.

بزرگان مذهبی اقلیت ها بیان داشتند که برای اعضای اجتماع روبه کاهش سیک ها، هندو ها، و سایر اقلیت های مذهبی، فقط چند مکان محدود برای عبادت باقی مانده بود. بر اساس گفته شورای سیک ها و هندو ها، که به نمایندگی از جوامع هندو و سیک کشور از حقوق آنان در برابر حکومت دفاع میکند، در سراسر کشور ۱۲ گوردواره ها (معابد سیک ها) و ۲ مندر یا معابد هندو ها باقی مانده بود، در حالی که سابق تعداد مجموعی درمسال ها و مندر ها در کشور به ۶۴ میرسید. خارجیان بودائی آزادانه در معابد هندوها عبادت کرده میتوانند. اجتماع هندو ها پس از غصب شدن اماکن عبادت شان از سوی اهالی کندهار، غزنی، پکتیا، و سایر ولایات، در یک تلاش به منظور توقف غصب هرچه بیشتر عبادتگاه های شان، و برای ستانیدن زمین ها و ساختمان هایی که قبلاً از دست شان رفته بود، فهرستی از اماکن عبادت شان را به وزارت حج و اوقاف سپردند. اعضای جوامع هندو و سیک گفتند که تا پایان سال، این مشکلات شان حل نشده باقی مانده است.

یکی از بزرگان جامعه سیک گفت، یک مسجد جدیدی که در جوار یک درمسال آنها اعمار شده، قصداً بلندگوها یا لادسپیکر هایش را متوجه معبد سیک ها ساخته تا عبادت کنندگان غیرمسلمان را ناراحت سازد.

اعضای اجتماع هندوها و سیک ها گفتند که آنها هنوز هم اطفال خود به رفتن مکاتب دولتی بخاطر آزار و اذیت از طرف سایر شاگردان اجازه نمی دهند. در گذشته، هندوها و سیک ها اطفال شان را به مکاتب خصوصی هندوها و سیک ها می فرستادند. بسیاری از آن مکاتب، به دلیل کاهش روزافزون جمعیت این دو اجتماع اقلیت، و نیز به دلیل تضعیف اقتصاد هندوها و سیک ها، مسدود گشتند. به گفته شورای سیک ها و هندوها، یک مکتب در ننگرهار، و دو مکتب در کابل هنوز هم به فعالیت شان ادامه می دهند.

طبق گفته بزرگان سیک، نبود فرصت های کاری، دلیل عمده مهاجرت هندوها و سیک ها را تشکیل می داد. آنان گفتند که یک عامل اخلال کننده فراروی دسترسی شان به شغل، بی سوادی شان بوده است. هردو اجتماع، سیک و هندو، بیان داشتند که بسیاری اعضای اجتماع آنها به دلیل خرابتر شدن شرایط اقتصادی و نگرانی از وضعیت امنیتی روی به مهاجرت آورده اند.

ناظران بیان داشتند که تبعیض اکثریت سنی مذهب در برابر اقلیت شیعه مذهب در سال های اخیر کاهش یافته است، با وجود این هم، ناظران گفتند که در محله های مختلف، خصوصاً در بخش استخدام، موارد تبعیض گزارش داده شده است. مواردی نیز پیش آمد که در آن به تعقیب حملات تروریستی، سنی ها و شیعیان برای نمازگزاری مشترک گردهم آمدند و به زخمی شدنشان خون اهدا کردند.

بزرگان مذهبی شیعه و سنی، هردو، برخی از جشنواره های سیکولار و کنسرت ها را تقبیح کرده و منافی اسلام خواندند. در ماه جولای، بزرگان مذهبی شیعه در ولایت بامیان، یک جشنواره دو روزه به مناسبت تجلیل از موسیقی سنتی افغانی را خلاف ارزش های اسلامی اعلام کردند، و اشتراک و حضور یافتن در آن را منع کردند. علمای مذهبی شیعه و سنی، هردو، در اواسط ماه اگست، اجرای پلان شده یک بانوی آوازخوان موسیقی پاپ افغانی به مناسبت تجلیل از روز استقلال را محکوم کرده و آن را خلاف ارزش های اسلامی خواندند. محل برگزاری کنسرت، به یک مکان عادی تغییر یافت.

یگانه کنیسه (عبادتگاه یهودیان) در شهر کابل غیرفعال می باشد، و از قبرستان نزدیک آن که مربوط به اهل به مثابه محل کثافات استفاده می شود.

اماکن عبادت برای خارجیان پیرو ادیان مختلف، در داخل تأسیسات نظامی نیروهای ائتلاف و یا هم در میان سفارتخانه ها در کابل، موقعیت دارند.

رسانه ها گزارش دادند که بزرگان دینی مسلمان، همچنان تلاش میورزیدند تا فعالیت های اجتماعی را که از دیدگاه شان با اساسات اسلامی سازگاری ندارد مانند حضور فعالیت زنان در عرصه ورزش، محدود سازند.

گزارش‌ها وجود دارد که بسیاری از ملاها، به ویژه آنانی که در مساجد غیرثبت شده امامت می‌کردند، به حمایت از طالبان یا شاخه‌ی داعش گروه طالبان در خطبه‌های شان سخن می‌گفتند.

انجیو‌ها یا موسسات غیردولتی گزارش دادند که اهالی مسلمان، در باره‌ی پروژه‌های کمی انکشافی همچنان مشکوک بودند، و بعضی از آنان فکر می‌کردند که چنین پروژه‌های انکشافی امدادی، تلاش‌های پنهانی برای اشاعه‌ی مسیحیت بوده و گویا با تغییر دادن دین مردم ارتباط دارد.

بخش ۴. پالیسی و مشارکت دولت ایالات متحده

مأمورین سفارت ایالات متحده به منظور ترویج تحمل‌پذیری مذهبی و بلند بردن ظرفیت حکومت در مبارزه با افراطگرایی خشونت‌بار، به ملاقات با اعضای دفتر ریاست جمهوری، دفتر شورای امنیت ملی، وزارت حج و اوقاف، و شورای علما ادامه دادند. مسئولان ارشد سفارت و سایر کارمندان سفارت، مصئونیت اقلیت‌های مذهبی را با مقامات حکومتی افغان مورد بحث قرار داده‌اند.

مقامات سفارت با مقامات حکومتی و هم‌بزرگان مذهبی دیدار کردند تا راه‌هایی را مورد بحث قرار دهند که از طریق آن بتوانند از تطبیق نصاب پیشنهاد شده از سوی مدارس و اینکه تدریس این نصاب باعث تشویق افراطیت خشونت‌آمیز برخاسته از احساسات مذهبی نمیشود خود را مطمئن کنند. سفارت با دفتر شورای امنیت ملی افغانستان و سایر نهاد‌های مرتبط دولتی و غیردولتی تلاش‌های هماهنگ‌کننده را انجام داده‌اند تا دفتر شورای امنیت ملی را در ایجاد یک استراتژی ملی برای مبارزه با افراطیت خشونت‌آمیز، کمک کند.

سفارت همچنین با بزرگان گروه‌های عمده‌ی مذهبی، امامان، علما، و مؤسسات غیردولتی یا انجیو‌ها ملاقات‌هایی داشت تا راه‌های آشنا ساختن مردم با یک طیف وسیع از دیدگاه‌های مذهبی و گسترش فرهنگ تحمل‌پذیری مذهبی را با آنها مورد بحث همه‌جانبه قرار دهند.

در جریان رمضان، کارمندان سفارت برای اشاعه‌ی گفتمان مذهبی و فرهنگ تحمل‌پذیری، ضیافت‌های افطاری را با حکومت، جامعه‌ی مدنی، و بزرگان مذهبی ترتیب می‌دادند. سفارت همچنان در جریان ماه رمضان، مطالب و موادی از اعضای جامعه‌ی مسلمان ایالات متحده را بر رسانه‌های اجتماعی نشر می‌کرد تا احترام به تنوع مذهبی را برجسته سازد. سفارت همچنان بازدید‌های بزرگان برجسته‌ی مذهبی از ایالات متحده و سایر کشورها را تمویل و ترتیب کرد تا دامنه‌ی تفاهم مذهبی را گسترده‌تر سازد.

سفارت همچنان میزبان میزهای مدوری بود که در آن تحقیق‌کنندگان پیش‌تاز و علمای مذهبی از سازمان‌هایی از قبیل مرکز اعتدال و وزارت حج و اوقاف حضور داشتند تا بر منابع ابتدایی افراطیت مذهبی و شیوه‌های مبارزه با آن، بحث کنند. سفارت، هماهنگ‌سازی تلاش‌های تحقیقاتی در مبارزه با افراطیت خشونت‌آمیز نقش تسهیل و تمویل‌کننده را برعهده داشت.

شخص سفیر، به مناسبت روز بین‌المللی آزادی مذهبی به تاریخ ۲۷ اکتوبر یک پیام ویدیویی ثبت کرد، که سفارت آن را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرد و یک نسخه آنرا با رسانه‌های خبری محلی شریک ساخت.

سفارت همچنان تبصره های مقامات ارشد حکومت ایالات متحده و حکومت افغانستان را که بر تحمل پذیری مذهبی تأکید داشتند، در رسانه های اجتماعی منتشر میکرد .